ادامه از صفحه ۶

ایران کجاست؟ ایرانی کیست؟

قبل از اینکه به این بحث ادامه دهیم، خواهش می‌کنم توضیح دهید تعریف شما از زبان مادری چیست؟ چون عدم شفافیت در به‌کاربردن این اصطلاح، ممکن است سبب برخی سوءبرداشت‌ها شود.

خدمت شما باید عرض کنم تعریف مقوله‌ای به نام «زبان مادری» بسیار دشوار است. در حال حاضر شاید بیش از ۱۰، ۱۵ تعریف از این پنداره وجود داشته باشد. من احساس می‌کنم چیزی که به پنداره «زبان مادری» جنبه احساسی داده است، وجود لفظ «مادر» در این اصطلاح است. ابداع اصطلاح زبان مادری یا به آلمانی Muttersprache، به اوایل قرن نوزدهم میلادی بازمی‌گردد؛ یعنی زمانی‌که مکتب فیلولوژی تطبیقی- تاریخی هنداروپایی در حال شکل‌گیری بود و مفهومی که بنیان‌گذاران این مکتب از اصطلاح زبان مادری اراده می‌کردند، بیشتر جنبه رمانتیک داشت. البته بعضی نیز می‌گویند این اصطلاح را روحانیون کلیسای کاتولیک به وجود آورده‌اند، زیرا با وجود اینکه مراسم مذهبی کلیسای کاتولیک به زبان لاتین بود، ولی وقتی روحانیون، مردم را موعظه می‌کردند به زبان‌های بومی سخن می‌گفتند تا راحت‌تر بتوانند آنها را به کاتولیسیسم دعوت کنند.

زبان مادری را زبان اصلی، زبان اول یا زبان بومی نیز می‌نامند. همه اینها نام‌هایی است که به مفهومی به نام زبان مادری اطلاق می‌شود. بنابراین ابتدا باید ببینیم این اصطلاح چه مفهومی را می‌رساند یا چه پدیده‌ای را توصیف می‌کند؟ برای مثال، وقتی یک زن ایرانی در آلمان با یک آلمانی ازدواج می‌کند، درست است که فرزند آنها زبان فارسی را خواهد آموخت ولی به دلیل آنکه در آلمان زندگی می‌کنند، زبان آلمانی به زبان اول آن کودک تبدیل خواهد شد، بنابراین ما دیگر نمی‌توانیم بگوییم زبان فارسی، زبان مادری این کودک است، اگرچه در معنای عام، زبان مادری او فارسی است. بنابراین مفهوم زبان مادری درواقع فقط به مادر مربوط نمی‌شود. نویسنده معروف آمریکایی، جی.آر.آر. تالکین، برای مفهومی به نام زبان مادری اصطلاح جالبی ابداع کرده، وی زبانی را که مادر با کودک صحبت می‌کند «زبان گهواره» نامیده است. در حال حاضر حس می‌کنم برداشت برخی مردم ایران از زبان مادری همین زبان گهواره است. در اینجا باید به‌صراحت بگویم زبان اول همه ایرانیان فارسی است و آن زبانی که آنها با آن در خانه سخن می‌گویند، درواقع زبان گهواره است و با زبان گهواره نمی‌توان در مدرسه تحصیل کرد.

آموزش در مدرسه و دانشگاه‌ها باید حتما به زبان اول یا زبان اصلی باشد.

اصولا از هر اصطلاحی یک تعریف عینی وجود دارد و یک تعریف ذهنی یا حتی عامیانه (vulgar). برخی زبان مادری را به معنای تحت‌اللفظی آن می‌فهمند. اگر تعریف ما از زبان مادری این‌گونه باشد باید بگوییم در ایران هر دهکده‌ای، زبان مادری خودش را دارد. مثلا در مناطق کردنشین ایران، قومی به نام گوران وجود دارد که بین مریوان تا گوران‌کرند ساکن هستند، یعنی از استان کردستان تا کرمانشاه و گروهی از آنها هم در عراق زندگی می‌کنند. همان‌طور که می‌دانید گوران‌ها کرد نیستند و به گروه‌های مختلف مانند اورامان‌ها، باجلان‌ها و ساکنان دهکده کندوله و ... تقسیم می‌شوند و هر کدام گویش خاص خود را دارند و جمعیت آنها نیز چیزی حدود یک میلیون نفر است. حال بفرمایید اینها باید کدام گویش را در مدرسه بیاموزند؟ به‌علاوه زبان هر روستایی با روستاهای دیگر اختلافات محسوس دارد. این حالت درباره گویش‌های کردی نیز صادق است.

از طرفی طبق همان معیارهایی که کردی زبان محسوب می‌شود، گویش‌های خور یا گز را هم باید زبان تلقی کنیم، پس بچه‌های این مناطق نیز باید زبان مادری خود را در مدرسه بیاموزند؛ اگر قانونی اجرا می‌شود باید درباره همه به طور یکسان اجرا شود. اما آیا چنین چیزی را می‌توان در ایران تصور کرد؟! وزارت آموزش و پرورش چطور می‌تواند برای همه این زبان‌ها کتاب درسی تهیه کند؟ برای تدریس یک زبان در مدارس، ابتدا باید شکل نرماتیو یا استاندارد آن را براساس همه گویش‌ها و گونه‌های آن درست و بر پایه آن کتاب درسی تدوین کرد. حال بگویید برای گورانی، سمنانی، کردی یا ترکی آذری چطور می‌شود یک زبان استاندارد یا معیار به وجود آورد؟ البته این امر امکان‌پذیر است ولی کاری است بسیار خطیر، زمان‌بر و دشوار و در برخی از موارد، حتی غیرممکن.پس زبان مادری مردمی که در ایران زندگی می‌کنند، فارسی است که زبان اصلی و زبان اول آنهاست و این را صراحتا باید گفت. زبان‌ها و گویش‌هایی که مردم در خانه صحبت می‌کنند گونه‌های فرهنگی و زبان‌های محلی (local) هستند. زبانی که مادر به وسیله آن با کودک خود سخن می‌گوید تعریفی عامیانه یا وولگار از زبان مادری است. کودکی که در اورامان متولد می‌شود و مادرش با او به این زبان سخن می‌گوید، طبیعی است در ابتدا زبان فارسی را نداند، ولی این مسئله دال بر این نیست که دولت باید برای او یک کتاب درسی اورامانی چاپ کند. ببینید، اینها حقایقی است که باید پذیرفت. بالاخره درباره مقوله‌ای به نام زبان محدودیت‌هایی وجود دارد که مردم باید بپذیرند و در مورد آنها کاری از دست دولت ساخته نیست.

ادامه در صفحه ۱۹

نگاهی به راهبرد دولت و مخالفانش در انتخابات آینده

چگونه در سال ۹۶ غافلگیر نشویم

حمیدرضا جلایی‌پور، آرش نصر اصفهانی

عکس: مهر

بخش اول: راهبرد و شعارهای مخالفان انتخاباتی روحانی

● پیش‌بینی زودهنگام صحنه انتخابات در سال آینده ممکن است راه به خطا ببرد؛ اما اگر اتفاقی خارق‌العاده، روند امور را دگرگون نکند، می‌توان تا حدی موضوعات کلیدی منازعه در عرصه انتخابات ریاست‌جمهوری را حدس زد.

● به نظر می‌رسد برند «مدیریت جهادی» و تأکید بر ضعف مدیریتی دولت روحانی به‌عنوان مشکل اصلی کشور با رویداد فروریختن ساختمان پلاسکو قدرت خود را از دست داده است؛ بنابراین راهبرد مؤثر مقابله با روحانی یک جهت‌گیری احمدی‌نژادی-ترامپی با هدف بسیج توده‌ها و اقشار میانی و فرودست علیه وضعیت موجود خواهد بود.

● احتمالا یک یا چند کاندیدا با استفاده از تجارب داخلی و جهانی اخیر سعی خواهند کرد با ارائه یک ژست مستقل، خود را از مدیریت‌های قبلی جدا کنند و وعده دهند که بنیان امور را به‌طورکلی تغییر خواهند داد.

● هدف‌قراردادن اقشار میانی و فرودست که از مشکلات اقتصادی و معیشتی فراوانی در سال‌های اخیر رنج می‌برند، احتمالا با تأکید بر دو محور اصلی در شعارهای انتخاباتی خواهد بود: محور اول این است که برجام تأثیر واقعی بر زندگی مردم نداشته و مردم در زندگی‌شان تفاوتی احساس نمی‌کنند؛ چه‌بسا برای بسیاری از حیث درآمد، اشتغال و تورم وضعیت بدتر هم شده است. محور دوم تأکید بر فساد در دولت و موضوعاتی مانند حقوق‌های نامتعارف یا عملکرد برادر رئیس‌جمهور یا برخی وزیران خواهد بود.

● برای نامزدی که قدرت سخنوری و اقناع عمومی داشته باشد، حمله به رئیس‌جمهوری در این دو محور و همراه‌کردن توده‌های مردم که این چارچوب‌بندی با توجه به تجربیات روزمره‌شان قابل فهم است، دشوار نخواهد بود.

بخش دوم: راهبرد و شعارهای انتخاباتی روحانی

● آنچه به شنیده‌شدن صدای مخالفان روحانی کمک می‌کند، هم گفتمان و هم عملکرد دولت در برخی حوزه‌هاست که اگر به آن توجه نشود، احتمال غافلگیرشدن همگان در انتخابات آتی را بالا می‌برد.

● با توجه به ارزیابی‌ای که در بخش اول ارائه شد، برخی ملاحظات اصلی برای دولت حسن روحانی برای مقابله با خطر ظهور یک پوپولیست دیگر در انتخاب ریاست‌جمهوری و همچنین کمک به بهبود شرایط اقتصادی و معیشتی اقشار ضعیف جامعه ضروری است. این ملاحظات در دو گروه اصلی ارائه می‌شود؛ گروه اول مربوط به دفاع از دستاوردهای دولت در چهار سال گذشته است و گروه دوم به برنامه‌های آتی برای برقراری پیوند با اقشار فرودست و ایجاد تغییر در وضعیت آنها مربوط می‌شود.

● اغلب این نکات براساس دو فرض کلی مطرح می‌شوند؛ اول اینکه تغییری اساسی در درآمد دولت وجود نخواهد داشت و در نتیجه بودجه‌ای برای ایده‌های بلندپروازانه وجود ندارد. دوم اینکه جهت‌گیری نظری دولت در عرصه اقتصاد با تمایل به بازار و تأکید بر بخش خصوصی است؛ بنابراین توصیه به دولت نیز اگر در تضاد اساسی با این رویکرد کلی باشد، شنیده نخواهد شد.

الف. دفاع از دستاوردها: زمانی که رئیس‌جمهور مستقر وارد عرصه انتخابات می‌شود، به‌طور طبیعی به سبب عملکرد چهار سال گذشته مورد حمله و نقد رقبا قرار می‌گیرد و در نتیجه مجبور خواهد بود از خود دفاع کند. با توجه به تجربه چهار سال گذشته برای دفاع از دستاوردها دولت باید به چند نکته اساسی توجه کند:

۱- زبان و واژگان: نکته مهم برای حسن روحانی چگونگی دفاع از خود و به بیان دقیق‌تر زبان مورد استفاده برای توضیح دستاوردها و موفقیت‌های دولتش است. رئیس‌جمهور احتمالا به سبب نشست و برخاست بیش از اندازه با اقتصاددانان، کارفرمایان و فعالان اقتصادی (و بی‌اعتنایی به سایرین)، روزبه‌روز واژگان تخصصی اقتصادی را بیشتر به کار می‌برد و با مخاطبان عمومی خود به شیوه‌ای سخن می‌گوید که گویی در اتاق بازرگانی سخنرانی می‌کند. توضیح عملکرد دولت با استفاده از مفاهیمی مانند رشد اقتصادی، رکود و رونق یا شیب تورم برای بخش زیادی از جامعه قابل فهم نیست. در عرصه انتخابات بیش از آنکه قانع‌کردن مستدل و منطقی نخبگان جامعه اهمیت داشته باشد، به‌دست‌آوردن قلب توده‌ها مهم است و این کار جز از طریق سخن‌گفتن به زبان ساده و قابل فهم برای آنها میسر نیست. صرف انرژی و زمان برای نشان‌دادن تفاوت «کاهش تورم» با «کاهش قیمت‌ها» کمکی به رئیس‌جمهور نخواهد کرد، بلکه ارائه مطلب در قالب مثال‌های ساده می‌تواند ارتباط ذهنی میان او و مردم را ممکن کند.

۲- دفاع از برجام با برهان خلف: نمی‌توان انکار کرد اقشار فرودست و میانی کشور از برجام نفع برده‌اند؛ اگر برجام وجود نداشت، تداوم تحریم نفت، کاهش ارزش پول و تورم بیشترین فشار معیشتی را بر اقشار ضعیف جامعه وارد می‌کرد. حسن روحانی احتمالا به سبب موقعیت خود به‌عنوان رئیس‌جمهور و بازتاب‌های منفی احتمالی سخنانش در عرصه سیاست خارجی، تاکنون کمتر در این مورد صحبت کرده است که اگر برجام نبود چه می‌شد. احتمالا در عرصه انتخابات و با تشدید حملات مخالفان، او ناچار خواهد شد صراحت بیشتری به کار ببرد و از عملکرد خود و اهمیت برجام از طریق برهان خلف دفاع کند. مهم این است که دفاع از برجام باید برای اقشار میانی و فرودست روشن کند تأثیر واقعی برجام جلوگیری از رخ‌دادن چه فجایعی برای آنها بوده است. دولت باید توضیح دهد که بدون خروج از تحریم نفت، امکانی برای پرداخت حقوق کارکنان و بازنشستگان، یارانه‌ها و اجرای طرح تحول سلامت وجود نداشت و فشار تورم بخش زیادی از جمعیت را از پای درمی‌آورد.

۳- برجسته‌کردن منفعت‌های عمومی در اقدامات خاص: دولت در توضیح اقدامات خود باید بر منافع عمومی حاصل از اقداماتش برای تک‌تک شهروندان صراحت داشته باشد؛ برای مثال موضوع خرید هواپیما می‌تواند به پاشنه‌آشیل دولت بدل شود. در برابر استدلال مخالفان سطحی‌نگر که خرید هواپیما را فقط به نفع استفاده‌کنندگان از آن می‌دانند، دولت باید نشان دهد چگونه منافع حاصل از این سرمایه‌گذاری و جلوگیری از خروج ارز از کشور به‌نفع آحاد جامعه است. به‌راحتی می‌توان استدلال کرد بخشی از درآمد حاصل از این سرمایه‌گذاری، در قالب مالیات شرکت‌های هواپیمایی به عنوان درآمد ملی به حساب دولت ریخته می‌شود و با استفاده از پول می‌توان هزینه آموزش یا درمان جامعه را تأمین کرد. برای دفاع از هر اقدام باید نشان داد چه نفعی از آن برای هر شهروند مثلا یک حاشیه‌نشین مشهدی متصور است و البته آن را به قابل فهم‌ترین شکل با استفاده از مفاهیم ساده و روشن توضیح داد.

ب. برنامه‌های دولت برای اقشار محروم و فرودست

اگر حسن روحانی نمی‌خواهد رقابت را به رقبای خود ببازد باید برای چهار سال آینده به‌طور مشخص برای گروه‌های محروم و ضعیف جامعه برنامه داشته باشد. درست است بهبود عمومی وضعیت اقتصادی پس از برجام به نفع همگان از جمله فقرا بوده، اما برنامه‌های هدفمند برای ارتقای کیفیت زندگی این گروه و کاهش نابرابری‌های اجتماعی ضروری است. دولت باید به‌طور مشخص با این گروه‌ها وارد گفت‌وگو شود، حساسیت خود را نسبت به مشکلات و معضلات آنها نشان دهد و برنامه‌های روشن خود برای بهبود شرایط زندگی آنها را اعلام کند. ضمن تأکید بر اهمیت طرح تحول سلامت و لزوم تقویت آن، چند محور اصلی برای بهبود شرایط زندگی اقشار فرودست و میانی جامعه برای دوره چهارساله آتی به شرح زیر پیشنهاد می‌شود.

۱- مسکن مهر: دولت حسن روحانی وارث طرح حساب‌نشده و غلط مسکن مهر از دولت قبل بود. به‌درستی بر نقش آن در افزایش پایه پولی و تورم و همچنین فقدان خدمات و امکانات زندگی در شهرک‌های ساخته‌شده تأکید داشت. اما هم شخص رئیس‌جمهور و وزیر مسکن در رویکردی اشتباه حاضر نشدند بپذیرند به‌هرحال مسکن مهر تعهد دولت به بخشی از مردم است و تغییر رئیس‌جمهور، دولت را از این تعهد خلاص نمی‌کند. به جای تمرکز بر اجرای بهتر ایده مسکن مهر، از ابتدا بنا بر تکرار وجوه منفی و استفاده از آن به عنوان ابزاری برای حمله به دولت قبل گذاشته شد. به همین سبب متقاضیان مسکن مهر که عموما از گروه‌های درآمدی متوسط رو به پایین هستند، به یکی از گروه‌های اصلی معترض به عملکرد دولت بدل شده‌اند. دولت هم به لحاظ دیدگاه و موضع رسمی و هم به لحاظ اجرائی باید به جای نادیده‌گرفتن مسکن مهر، به دنبال ایجاد تغییر در شرایط ذی‌نفعان این طرح در یک بازه زمانی تعریف‌شده باشد یا حداقل جایگزینی عملی برای آن ارائه کند. طرح مسکن اجتماعی هم که تاکنون در حد ایده‌هایی پراکنده باقی مانده است و درنتیجه دولت نه برنامه‌ای برای مسکن فقرا دارد و نه حاضر به تداوم برنامه دولت قبل است.

۲- اسکان غیررسمی: بنابر آمارهای رسمی، حدود ۱۰ میلیون نفر در کشور ساکن مناطق حاشیه‌ای هستند یا به عبارت دقیق‌تر، در خانه‌هایی زندگی می‌کنند که مجوز قانونی برای ساخت و سکونت در آن ندارند. در طول دهه‌های گذشته همواره ترس از گسترش حاشیه‌نشینی مانع از به‌رسمیت‌شناخته‌شدن آن بوده است (گرچه در روندی آمار این حاشیه‌نشینان به‌تدریج خود را بر مدیران تحمیل کرده‌اند). اما به‌هرحال دولت چه برنامه‌ای برای این بخش بزرگ از جامعه دارد؟ آیا صرفا بناست بر ارائه خدمات به آنها بدون اعطای حقوق اساسی مالکیت و بهره‌مندی از خدمات شهری اصرار وجود داشته باشد؟ بدیهی است بخشی از مشکلات این جمعیت فقط با تغییر قانون قابل حل است و افراد با بهره‌مندی از پروانه ساختمانی یا سند می‌توانند وارد بخش اسکان رسمی شوند. البته نمی‌توان یک نسخه کلی برای پدیده حاشیه‌نشینی در کشور پیچید، اما به نظر می‌رسد حل مسئله در شهرهایی کوچک‌تر مانند کرمان یا اهواز قاعدتا باید آسان‌تر از مسئله در تهران باشد؛ بنابراین می‌توان از آنجا شروع کرد. اسکان غیررسمی در ایران برخلاف بسیاری از کشورها در خانه‌هایی است که استحکام نسبتا مناسبی دارند و درنتیجه در موارد زیاد فقط با تغییر قوانین و مقررات و حدود مرزی خدمات شهری می‌توان مشکل مسکن بخشی از جامعه را حل کرد. توجه به این مطالبه جدی در کشور و ارائه یک برنامه مشخص برای تحول بنیادی در این بخش می‌تواند گامی اساسی در ازمیان‌بردن فقر در جامعه باشد.

۳- قانون کار و مسئله حداقل دستمزد: یکی از مطالبات اصلی اقشار فرودست مربوط به قانون کار و حداقل دستمزد است که در سال‌های اخیر به عرصه عمومی هم کشیده شده است. متأسفانه دولت در این چهار سال چه از جهت گفتمانی و چه از منظر اقدامات عملی، بیشتر دولت کارفرمایان بوده تا دولت کارگران. با کارفرمایان بیشتر سخن گفته تا کارگران. همواره نیز راه‌حل رونق و خروج از رکود را نیز ازبین‌بردن موانع تولید با تأمین منافع کارفرمایان دانسته است. با علم به جهت‌گیری کلی اقتصادی دولت، پیشنهاد این نیست که حداقل دستمزد فلان مقدار باشد یا فلان قانون تغییر کند، بلکه دولت می‌تواند حداقل سازوکار تصمیم‌گیری درباره آنها را تغییر دهد و متعهد به اجرای سه‌جانبه‌گرایی واقعی باشد. تغییر رویه و دخالت بیشتر تشکل‌های کارگری در فرایند تدوین قوانین و تعیین حداقل دستمزد در کنار نمایندگان کارفرمایان و دولت می‌تواند به منصفانه‌ترشدن دستمزدها کمک کند و گسست پیوند دولت از بدنه جامعه را سبب نشود.

۴- نهضت مدرسه‌سازی: در سال‌های گذشته بارها نهادهای مدنی و رسانه‌ها از مناطقی در ایران گزارش دادند که کودکان از یک ساختمان معمولی مدرسه نیز برخوردار نیستند. به‌ویژه در مناطق روستایی استان‌های محروم موارد متعددی از این وضعیت اسف‌بار منعکس شده است. البته ساخت و تجهیز مدارس نیازمند بودجه کلان است و نمی‌توان انتظار داشت دولت به تنهایی قادر به حل این مسئله باشد. نقطه قوت در اینجا حساسیت عمومی نسبت به وضعیت مدارس در کشور و فعالیت گسترده نهادهای مردمی و مدنی در این بخش است. دولت می‌تواند با تدوین یک برنامه مشخص با استفاده از منابع خود و همچنین تسهیل فعالیت نهادهای خیریه و مردمی یک نهضت فراگیر مدرسه‌سازی در مناطق محروم به راه اندازد تا هر برای همه کودکان کشور حداقل یک ساختمان ایمن به عنوان کلاس درس وجود داشته باشد.

۵- معیشت در استان‌های مرزی: متأسفانه هرروز فاصله ذهنی و پیوند عاطفی ساکنان استان‌های حاشیه با مرکز افزایش می‌یابد. این استان‌ها یا مانند سیستان‌وبلوچستان و کردستان محروم از سرمایه‌گذاری‌اند یا مانند بوشهر و خوزستان در آنها استقرار صنایع به توسعه منطقه‌ای و بهره‌مندشدن عموم ساکنان منجر نشده است. معیشت اقشار فرودست به‌ویژه در استان‌های مرزی با جابه‌جایی کالا از طریق مرز گره خورده است که به صورت‌های مختلف (مثلا در سیستان‌وبلوچستان با قاچاق بنزین، در بوشهر و هرمزگان با ته‌لنجی یا در کردستان و آذربایجان غربی با کولبری) صورت می‌گیرد. قوانین و مقررات به‌شدت بر معیشت این اقشار تأثیرگذار است و سخت‌گیری یا آسان‌گیری مأموران مرزی اهمیتی تعیین‌کننده برای معاش این گروه‌ها دارد. یکی از برنامه‌های جدی دولت می‌تواند قاعده‌مندکردن این شیوه از معیشت به شیوه‌ای باشد که منافع گروه‌های آسیب‌پذیر و نه دلالان و کارفرمایان صاحب نفوذ حفظ شود.

● در پایان باید به این نکته اشاره کرد که صداقت دولت در برنامه‌هایش برای گروه‌های محروم از اقدام عملی آن پیش از انتخابات مشخص خواهد شد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود رئیس‌جمهور در این مدت اندک باقی‌مانده تا انتخابات، کانون توجه خود را تغییر داده و بیشتر به گروه‌هایی توجه کند که در انتخابات سال ۹۲ به امید چرخیدن چرخ زندگی به او رأی داده بودند.

روزنه

مخالفت اکثریت فراکسیون امید با استیضاح آخوندی

● **ایسنا:** بهرام پارسایی سخنگوی فراکسیون امید مجلس شورای اسلامی با اشاره به جزئیات نشست فراکسیون امید با وزیر راه از مخالفت اکثریت اعضای فراکسیون با استیضاح آخوندی خبر داد. او از برگزاری نشست مجمع عمومی فراکسیون امید با حضور وزیر راه خبر داد و افزود: در جلسه امروز فراکسیون با حضور عباس آخوندی وزیر راه‌وشهرسازی، کمیته مربوط به بررسی سانحه تصادف قطار مسافربری در سمنان گزارش خود را در این رابطه ارائه کرد و پس از آن آقای آخوندی نیز توضیحاتی دراین‌باره به نمایندگان ارائه کرد. او افزود: در ادامه جلسه تعدادی از نمایندگان به فراخور نگاه کارشناسی و تخصصی خود به بیان نکاتی در رابطه با موضوعات مختلف مسکن و شهرسازی پرداختند. نماینده مردم شیراز در مجلس با بیان اینکه در جلسه صبح امروز اشاره‌ای به بحث استیضاح وزیر راه صورت گرفت، گفت: این مسئله موضوع اصلی جلسه نبود. با توجه به اینکه مسائل مطرح‌شده در حوزه‌های مختلف تخصصی فراوان بود، موضوع استیضاح چندان مورد بحث قرار نگرفت. پارسایی با بیان اینکه اکثریت اعضای فراکسیون با طرح استیضاح وزیر راه مخالف بودند، اضافه کرد: برای اعلام نظر نهایی فراکسیون درباره استیضاح باید نظر تمامی اعضای فراکسیون را دریافت کنیم و پس از انجام نظرسنجی در این رابطه اظهارنظر خواهیم کرد که برون‌داد خرد جمعی فراکسیون چه بوده است.

شعار الله‌اکبر در مجلس

● **ایسنا:** نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی صبح سه‌شنبه هم‌زمان با سالروز ورود امام خمینی(ره) شعار الله‌اکبر سر دادند. نمایندگان مجلس رأس ساعت ۹:۳۳ و هم‌زمان با سالروز ورود تاریخی بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران به کشور فریاد الله‌اکبر سر دادند و فرارسیدن سی‌ونهمین بهار انقلاب را جشن گرفتند. پیش از این روال معمول در سالروز ورود امام(ره) نواختن زنگ انقلاب در مجلس هم‌زمان با نواخته‌شدن زنگ انقلاب در سراسر کشور بود، اما حسینعلی حاجی‌دلیگانی که در حال ارائه تذکری درباره جزئیات طرح اصلاح موادی از قانون انتخابات شورای شهر بود، در میانه صحبت‌های خود فریاد الله‌اکبر سر داد و سایر نمایندگان نیز از جای خود برخاستند و وی را همراهی کردند.